

سخنرانی در کنفرانس قیام ایران، نقش جوانان و زنان و چشم‌انداز

جمهوری دموکراتیک

۲۴ شهریور ۱۴۰۲

هموطنان!

نمایندگان ملت‌های اروپا و شخصیت‌های محترم!

فردا سالروز شروع قیام بزرگ مردم ایران است. قیامی که موقعیت سرنگونی رژیم را بارز کرد و مردم ایران را با پشتوانه ۴ دهه مقاومت سازمان‌یافته، در آستانه جهش به دوران تازه‌یی از تاریخ خود قرار داد.

قیام با جان باختن مظلومانه ژینا امینی (مهسا) در اثر ضربات وحوش خامنه‌ای در گشت سرکوب زنان جرقه خورد. من در همان شب به عزای عمومی فراخوان دادم.

خامنه‌ای با ویروس کرونا بر انبار باروت خشم مردم بعد از قیام آبان ۹۸ سرپوش گذاشته بود. او صریحا و رسماً واردات واکسن از اروپا و آمریکا را ممنوع کرد تا بتواند در برابر قیام‌ها با جان‌های ۵۵۰ هزار نفر از هموطنان ما یک سپر انسانی بسازد. در حالی که در کشورهای همسایه، تلفات انسانی نسبت به ایران بسیار پایین‌تر بود.

البته در همین فاصله خیزش‌های مردمی در مناطقی مانند چهارمحال و بختیاری و خوزستان و لرستان و اصفهان سر باز کرده بود. خیزش‌های تشنگان و گرسنگان برای نان و آب و آزادی که در اصفهان به اوج رسید.

فرو ریختن متروپل آبادان و زیر آوار ماندن بیگناهان به‌خاطر فساد و دزدی در ساختن این بنا در هم‌دستی با سپاه پاسداران، خشم مردم را به اوج رساند و سرانجام از جرقه حریق برخاست و بغض فروخورده در سراسر ایران شعله‌ور شد.

زنان و دختران دلیر در خط مقدم

من به خوبی به یاد دارم که وقتی مقاومت ایران در ۱۶ آبان در پنجاه و دومین روز قیام اعلام کرد که رژیم بیش از ۳۰ هزار نفر را دستگیر کرده، در خارج از ایران کسی باور نمی کرد و آن را مبالغه می دانستند.

اما ۲ ماه بعد رژیم خودش اعلام کرد که خامنه ای ۱۰۰ هزار زندانی را به اصطلاح عفو کرده که ۳۰ هزار نفر از آن ها مربوط به «اغتشاشات» بودند که نام مستعار قیام است.

قیامی که در آن نیروی آگاه و شورشگر، با صدای بلند گفت که دیکتاتوری در هر شکل آن را نمی خواهد. نه شاه و نه شیخ.

در این قیام جهان به روشنی دید رژیمی که با جنگ افروزی و تروریسم و با هیاهو درباره برنامه موشکی و اتمی، بی ثباتی خود را می پوشاند، در واقع بر روی بشکه باروت نشسته و آینده یی ندارد.

همه دیدند این ادعاها که گویا زمانه انقلاب در ایران سپری شده، یا نسل جوان به مبارزه پشت کرده یا این که جنبش مقاومت پشتوانه اجتماعی ندارد، افسانه های باطل رژیم و محافل مماشاتگر است.

و آن هنگام که زنان و دختران دلیر - این نیروی اصلی تغییر - در خط مقدم به پا خاستند، آشکار شد تحولی که در ایران جریان دارد، از چنان شدت و عمقی برخوردار است که به سرنگونی محتوم دیکتاتوری دینی می انجامد و یک ایران آزاد را به ارمغان می آورد.

در این جا به زنان و هم چنین مردان پیشتازی که در چهار دهه گذشته، مشعل مبارزه با دیکتاتوری مذهبی را فروزان نگهداشتند، ادای احترام می کنیم.

افزایش پتانسیل انفجاری جامعه

امروز آخوندها برای جلب سیاست مماشات به تبلیغات وسیعی دست زده اند که دیگر قیامی در کار نیست. این تبلیغات از جانب کسانی مورد استقبال قرار گرفته که در توهم احیای سیاست شکست خورده مماشات به سر می برند. اما عواملی که باعث فوران قیام شد، نه تنها کاهش پیدا نکرده، که حتی بیشتر، متراکم تر و شدیدتر شده است.

از جمله این که:

اولا، رویکرد متعارض جامعه با حکومت جلادان که در قیام بارز شد، به وضوح افزایش یافته است.

مقام‌های رژیم می‌گویند هر ماه تعداد قابل توجهی از عوامل نهادهای رسمی سرکوب توسط مردم به‌جان آمده و جوانان خشمگین از پا درمی‌آیند.

هر هفته بدون استثنا افسار مختلف مردم نظیر بازنشستگان، کارگران، پرستاران، استادان و به‌خصوص ساکنان مناطق محروم دست به اعتراض می‌زنند.

ثانیا، مقاومت سازمان‌یافته و کانون‌های شورشی در داخل کشور همراه با شبکه‌های اجتماعی مجاهدین فعالیت‌های خود را بر شکستن تور اختناق و برپایی خیزش‌ها و گسترش آن‌ها متمرکز کرده است.

ثالثا، در حالی که درآمدهای نفتی رژیم بالا رفته، اما سیاست غارت‌داری‌های عمومی و فقیرسازی توده‌های مردم، پتانسیل انفجاری را افزایش داده و آمادگی اجتماعی برای خیزش‌ها بالاتر می‌رود.

در چنین وضعیتی، رژیم لاجرم به کنترل و سرکوب و انقباض بیشتر متوسل می‌شود.

نمونه آن موج اخیر تصفیه استادان دانشگاه‌هاست که کودتای سپاه خمینی در دهه ۶۰ تحت عنوان انقلاب فرهنگی را تداعی می‌کند.

در آن زمان دانشگاه‌ها را نزدیک به ۳ سال بست و بعد هم بیش از نیمی از آن را سهمیه سپاه و بسیج و عوامل ماشین جنگی خود در جنگ ایران و عراق قرار داد.

نمونه دیگر وضعیت زندانیان سیاسی است که اذیت و آزار آن‌ها توسط دژخیمان خامنه‌ای به‌خصوص در مورد زندانیان مقاوم و اعضا و هواداران مجاهدین تشدید شده است و باز نمونه دیگر سرکوب بی‌وقفه در بلوچستان و هم‌چنین خط و نشان کشیدن برای زمین‌گیرکردن گروه‌های کرد ایرانی در کردستان عراق است.

ترس و عجز رژیم در برابر قیام

خط کاری که رژیم در داخل و در خارج از ایران در برابر مجاهدین و شورای ملی مقاومت در

پیش گرفته نشانه آشکار دیگری از ترس و عجز در برابر قیام است.

برای مقاومت ما دروغ و دسیسه و شیطان‌سازی و تروریسم از طرف رژیم چیز جدیدی نیست. اما از ابتدای سال میلادی، ابعاد دروغ و توطئه و زد و بند هم در داخل ایران و هم در خارج از ایران، افزایش چشمگیری داشته است.

رژیم می‌گوید برای سازمان مجاهدین و ۱۰۶ تن از مسئولان این سازمان و اعضای مقاومت کیفرخواست صادر کرده و دادگاه غیابی در پیش دارد. این مسخره به نظر می‌رسد اما واقعیت دارد.

نظریه پردازان رژیم می‌گویند به خاطر این است که این سازمان از «نقش میدانی ویژه» برخوردار است و «رهبری عوامل میدانی و مجازی» در قیام‌ها را به عهده داشته است.

توجه کنید: فقط در سه ماه اخیر، دو خبرگزاری اصلی سپاه پاسداران بیش از ۲۳۰ بار علیه مجاهدین دروغ و جعل و افترا منتشر کرده‌اند. هر یک از این خبرها به نوبه خود توسط ۵۰ رسانه سراسری دیگر رژیم منتشر شده. در سه ماه گذشته حدود ۱۲ هزار خبر جعلی فقط توسط این دو خبرگزاری علیه مجاهدین منتشر شده است.

حملات بی‌وقفه، دامنه‌دار و همه‌جانبه رژیم که به گفته سخنگویان آن با استفاده از «تمام ظرفیت‌های» حکومت صورت می‌گیرد، یک معنا بیشتر ندارد:

آخوندها چشم‌انداز پیروزی آلترناتیو و انقلاب دموکراتیک در ایران را در برابر خود می‌بینند، از آن وحشت دارند و چنان که یکبار موسوی اردبیلی قاضی القضاة خمینی در زمان مرگ خمینی صریحا گفت «به خود می‌لرزند».

بله ما می‌گوییم باید که به خود بلرزید.

راستی چرا رژیم به این تلاش‌های مذبحخانه دست می‌زند؟ جواب را باید در نتایج و دستاوردهای قیام جستجو کرد.

این که:

- مرزبندی «نه شاه و نه شیخ» برجسته و استوار شده و پرچم «جمهوری دموکراتیک» را بر قله قیام‌ها برافراشته است.

- حصارهای جبهه خلق در برابر هر نوع دیکتاتوری و وابستگی مستحکم شده و مشت افراد و جریان‌های دودوزه‌باز در جبهه استبداد و وابستگی باز شده است.

خلاصه می‌کنم: در مورد رژیم همه چیز حاکی از شکنندگی و بی‌ثباتی است و از پایان آن خبر می‌دهد. و در مورد مقاومت، مسیر انقلاب دموکراتیک که از ۴۲ سال پیش آغاز شده، تثبیت شده و اعتلا پیدا می‌کند.

در واقع آینده به نام انقلاب دموکراتیک، آلترناتیو دموکراتیک و جمهوری دموکراتیک مهر شده است.

این همان سیما و سمت‌گیری اصولی و اصیل شورای ملی مقاومت ایران از ۴۲ سال پیش است که مسعود رجوی آن را بنیان گذاشت و به قول او «به یقین می‌توان گفت برخلاف انقلاب مشروطه و انقلاب ضدسلطنتی این بار انقلاب ماندگار است و سرقت آن امکان‌پذیر نیست».

مماشات؛ به خطر انداختن صلح جهان

آخوندهای حاکم بر ایران، هیچ‌گاه به اندازه امروز نیازمند از سرگیری سیاست مماشات نبوده‌اند. آن‌ها زیر ضربه عظیم قیام‌ها، بیش از هر زمانی به زد و بندهای دیپلماتیک نیاز دارند. تلاش می‌کنند در برابر مردم ایران و انقلاب دموکراتیک‌شان، غرب و شرق عالم را به یاری خود جلب کنند. روش‌های آن‌ها برای به کرنش واداشتن دولت‌های غرب بسیار شناخته شده است:

گروگانگیری، تروریسم، جنگ‌افروزی، و بازی با کارت بمب اتمی. خواست مرکزی آن‌ها از دولت‌های غربی: محدودسازی مجاهدین و شورای ملی مقاومت و بستن راه قیام و آزادی در ایران است.

یکی از امام جمعه‌ها و نمایندگان ارشد خامنه‌ای فاش کرد که در مذاکرات غیرمستقیم، مقام‌های رژیم، آمریکا را قانع کرده‌اند که مطالبات بر سر برنامه هسته‌یی، وابسته به رویکرد آن‌ها نسبت به مجاهدین است.

او گفت: هم به آمریکا و هم به اروپا تفهیم کرده‌ایم که مجاهدین مانع تفاهم میان رژیم با آن‌هاست. این گزارش را رسانه‌های رسمی رژیم در دوم تیرماه امسال منتشر کردند.

پیش از این غریب‌آبادی معاون قضاییه رژیم اعلام کرده بود که ما در هیچ ملاقاتی (با مقام‌های خارجی) نیستیم که به قضیه مجاهدین نپردازیم.

از طرف دیگر مردم ایران، سیاست‌های دولت‌های غربی را هم به دقت نظاره می‌کنند.

از جمله:

- سکوت نسبت به نقض فاجعه‌بار حقوق بشر در ایران و بسنده کردن به بیانیه‌های لفظی محکومیت.

- اجرا نکردن تحریم‌های نیم‌بند.

-و چشم بستن بر استفاده رژیم از بازارهای اروپا و آمریکا برای تهیه قطعات مورد نیاز ساخت پهپاد و موشک و اتمی و هم‌چنین تجهیزات سرکوب و ننگین‌تر از همه این است که ۶میلیارد دلار پول نقد به خامنه‌ای و سپاه پاسداران او کادو داده‌اند. که فقط صرف سرکوب و جنگ و تروریسم می‌شود.
باید تاکید کنم که:

ادامه مماشات با فاشیسم دینی، هم کمک کردن به قاتلانی است که در حال شلیک به مردم ایران‌اند؛ هم به خطر انداختن صلح و امنیت جهان از جمله امنیت خود اروپاست.
تاکید می‌کنم: آقایان!

به گروگانگیری و ساخت پهپاد و به دیپلومات تروریست‌های بمب‌گذار مشوق ندهید. آن‌ها علیه خود شما هم جری‌تر می‌شوند.
سیاست صحیح این است که:

سپاه پاسداران را به عنوان یک سازمان تروریستی اعلام کنید.
حق مردم ایران برای دفاع از خود در برابر سپاه پاسداران و نیروهای سرکوبگر را به رسمیت بشناسید.
قطعنامه‌های شش‌گانه شورای امنیت ملل متحد علیه رژیم را دوباره احیا و فعال کنید.
پرونده نقض وحشیانه حقوق بشر در ایران را به شورای امنیت ارجاع دهید.

سران رژیم را به‌خاطر چهار دهه نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت به پای میز عدالت بکشانید و این رژیم را به‌عنوان تهدید صلح و امنیت جهان تحت فصل هفت منشور ملل متحد قرار بدهید.

حمایت هزار زن صاحب نام جهان از مبارزه زنان پیشتاز

در این‌جا از حدود یک هزار تن از زنان صاحب‌نام جهان از بالاترین مدارج رهبری سیاسی، علمی، هنری و اجتماعی که در سالگرد قیام با انتشار بیانیه مشترکی از مبارزه زنان پیشتاز در مقاومت ایران و نقش دختران و زنان شجاع ایران در قیام حمایت کرده‌اند، قدردانی می‌کنم.

بیانیه آن‌ها هم‌چون ابتکار عمل ۳۶۰۰ پارلمانتر از سراسر جهان، ۱۲۴ تن از رؤسای جمهور و نخست‌وزیران سابق، هم‌چنین ۷۵ برنده نوبل یک‌الگوی درخشان برای سیاست صحیح بین‌المللی است.

همه آنها در دفاع از قیام مردم ایران بر ضرورت قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی، محاکمه سران رژیم، و همچنین حمایت از برنامه ۱۰ ماده‌یی مقاومت ایران تاکید کرده‌اند.

به یاد اریک داوید

در همین راستا می‌خواهم به یک انسان بزرگ که از بلژیک برخاست، ادای احترام کنم؛ پروفیسور اریک داوید متفکر والا و شریف و صدایی که جهان امروز بی‌اندازه به آن نیازمند است. او حقوق بین‌الملل را در خدمت آزادی خلق‌ها قرار داد و در حمایت از حقوق مجاهدان اشرفی در برابر رژیم و متحدان‌اش، هم دانش و صلاحیت و هم عواطف انسانی فوق‌العاده خود را نثار کرد. تاریخ مبارزه برای آزادی ایران هرگز اریک داوید را از یاد نخواهد برد. بله، اریک داوید از افتخارات ماندگار بلژیک است.

در پایان می‌خواهم بر یک حقیقت تاکید کنم که اعتقاد مشترک ایرانیان به‌پاخاسته است؛ هر قدر آخوندها سرکوب کنند، هر چه با شرق و غرب عالم زد و بند کنند، هر قدر دروغ به‌هم بیاوند و دسیسه بچینند، محاکمه نمایشی راه بیندازند و خود را به در و دیوار بکوبند، غیرممکن است که بتوانند این رژیم از نفس افتاده را نجات بدهند. شعله‌های امید در قلب‌های مردم ایران بیش از هر زمانی فروزان است.

عزم‌های دختران و پسران شورشگر ایران بیش از هر زمانی شعله‌ور است و اراده‌های متحد مردم ما برای آزادی از هر قدرتی در جهان قوی‌تر است

این سمفونی پرشکوه آزادی است. این صدای آزادی است؛ این صدای پای قیام و صدای پای ارتش بزرگ آزادی مردم ایران است. انقلاب دموکراتیک مردم ایران پیروز می‌شود.